

# شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر

## تعهد به نظم اجتماعی در شهر تهران

### مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۵، شماره یک: ۱۹۴-۱۶۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

علیرضا گودرزی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکزی

شهلا کاظمی پور<sup>۱</sup>

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

حمید انصاری

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

پندیرش ۹۷/۶۸

دریافت ۹۷/۱/۱۷

### چکیده

جامعه برای برقراری و شکل‌گیری خود، به ناچار به نظم، از سویی طبیعی و از سویی قراردادی روی می‌آورد که از فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری نشأت می‌گیرد، و برای در کنار هم زیستن، چاره‌ای جز اطاعت از این نظم نیست. به همین سبب، مردم هم‌نواپی با هنجارهای اجتماعی را پیشه می‌کنند و به همان میزان، تخطی از قواعد اجتماعی در درون تمام جوامع مشکل‌ساز و مشکل‌آفرین است. تعرض طرفین قرارداد اجتماعی به حقوق یکدیگر، موجب اخلال در روابط آن‌ها می‌شود و موانعی را برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند. به همین منظور، تحقیق حاضر، برای سنجش میزان تعهد شهروندان به نظم اجتماعی، به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن می‌پردازد. محققین برای سنجش تعهد به نظم اجتماعی، از سه شاخص اصلی: التزام به قانون، التزام افراد به رعایت حقوق شهروندی و اعتماد به دیگران استفاده کرده‌اند، زیرا اعتقاد بر این است براینکه این سه مؤلفه، متغیر وابسته ما را می‌سازد. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایش بوده، که تعداد ۳۸۴ نفر از جمعیت ۶۴-۱۸ ساله شهر تهران را با استفاده از فرمول کوکران، به عنوان جامعه نمونه انتخاب و با ابزار پرسشنامه مورد کاوش قرار داده است. پایایی سؤالات تحقیق از طریق آلفای کرونباخ با مقدار متوسط ۰/۸۲۸ مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج پژوهش رابطه بین میزان تعهد به نظم اجتماعی را با میزان باورهای دینی، باورهای اخلاقی، احساس نا امنی، مشارکت اجتماعی، احساس بی‌عدالتی، جنسیت، تحصیلات و سن پاسخگویان را تأیید می‌کند و این رابطه با وضعیت تأهل مورد تأیید قرار نگرفت.

**واژگان کلیدی:** نظم، تعهد به نظم اجتماعی، الزام به قانون، حقوق شهروندی، اعتماد اجتماعی، عوامل اجتماعی - فرهنگی

<sup>۱</sup> نویسنده رابط؛ پست الکترونیکی: skazemipour@gmail.com

## مقدمه

استقرار و شکل‌گیری جامعه، به ناچار به نظمی از سوی طبیعی و از سوی دیگر قراردادی نیاز دارد که از سنت‌ها، آداب و رسوم، ملیت و مذهب ریشه می‌گیرد. برای در کنار هم زیستن و با هم زندگی کردن چاره‌ای جز اطاعت از این نظم نیست. «هدف قانون (به معنای قاعده الزام‌آور جمعی)، تنظیم روابط اجتماعی و مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده نظم اجتماعی به شمار می‌آید» (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۸۴). بیشتر مردم در اکثر اوقات، همنوایی با هنجارهای اجتماعی را پیشه می‌کنند. زندگی اجتماعی هم به همین سبب، معمولاً الگویی نسبتاً منظم و قابل پیش‌بینی دارد. با این وجود، همان‌قدر که اعضای جامعه از هنجارها پیروی می‌کنند، به همان میزان هم تخطی و سرپیچی از قواعد اجتماعی در درون تمامی جوامع و اجتماعات انسانی، مشاهده می‌شود (رابرتسون<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴: ۱۵۶). در همین راستا، موضوع ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌ها، هر روز در جامعه جوان ما ابعاد وسیعتری به خود می‌گیرد. به رسمیت شناختن، تضمین و رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی آحاد جامعه از اصول اصلی و مهمی است که در تحقق نظم و امنیت اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. این امر مستلزم پایبندی به قراردادهای اجتماعی و انجام تعهدات دولت در برابر مردم و ایجاد رابطه منطقی مبتنی بر محبت و علاقه بین مردم و دولت خواهد بود که در نهایت ضامن امنیت جامعه نیز می‌شود.

در یک جامعه سامان‌یافته مبتنی بر قانون، وجود نظم و امنیت اجتماعی اساسی‌ترین عامل توسعه و رشد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود، که بدون رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، تحقق آن دشوار خواهد بود. چنانچه افراد جامعه نسبت به رعایت حقوق خود مطمئن باشند، نسبت به اجرای تکالیف و تعهدات خویش در مقابل جامعه کوشا خواهند بود، و انگهی اگر حکومت، حقوق و آزادی‌های فردی را محترم نشمارد، افراد جامعه نیز متقابلاً خود را موظف به رعایت مقررات اجتماعی نخواهند دانست و در نتیجه نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی مختل می‌شود.

تعرض طرفین قرارداد اجتماعی به حقوق یکدیگر، موجب اختلال در روابط آنها می‌شود و موانعی را برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند. تنظیم این رابطه، از وظایف دولت است که در چارچوب قانون متبلور می‌شود. فقدان نظم، باعث غیرقابل پیش‌بینی شدن امور

می‌گردد. در وضعیت شدید بی‌نظمی، به واقع آنچه هابز<sup>۱</sup> در مخیله خود پرورده، یعنی وضع طبیعی پیش می‌آید. در حالت‌های خفیف‌تر هم، علاوه بر کاهش امنیت و بروز نگرانی گسترده، امنیت وجودی نیز از میان می‌رود، زیرا به تعبیر گیدنز<sup>۲</sup> یکی از پایه‌های امنیت، وجود احساس تداوم در اشیاء و اشخاص است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۷).

بسیاری از مطالعات، نشان داده که نگرش مردم ایران نسبت به قانون یا همان هنجارهای رسمی و میزان پایبندی به آن بسیار ضعیف است. معیدفر می‌گوید: که مردم ایران اگرچه به نفس قانون اعتماد و اعتقاد فراوانی دارند، لیکن عمدتاً نسبت به قوانین جامعه با تردید می‌نگرند و ضمناً معتقدند که هموطنانشان به قوانین جاری کشور پایبند نیستند و به قیمت بسیار ناچیزی، حاضر می‌شوند قوانین را نادیده بگیرند (معیدفر، ۱۳۸۵). با پذیرش این مسئله که تعهد به نظم اجتماعی در جامعه ما کم‌رنگ شده، توجهی به علت‌یابی آن نشده است، به همین دلیل ضروری است که در کنار طرح مسئله، به ریشه‌یابی آن نیز پرداخته شود. از این رو، این مطالعه، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد تا با شناخت این عوامل، به راهکارهای عملی و مؤثری برای بالا بردن میزان تعهد به نظم اجتماعی در جامعه برسیم.

## ادبیات پژوهش

### تعریف تعهد و تعهد اجتماعی

بلومبرگ<sup>۳</sup> معتقد است که تعهدات در جریان شکل‌گیری روابط متقابل افراد به وجود می‌آید و عاملی برای تشخیص میزان پیوستگی، استحکام و چگونگی و محتوای روابط است. تعهد یک انگیزش درونی هویت افراد در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون و نشانه وفاداری آن‌ها به رفتاری ثابت است که به انتظارات دیگران از آن موقعیت پاسخ می‌دهد، و باعث سازگاری فرد با موقعیت خود می‌شود. این انگیزش از یک سو به اعمال قبلی افراد و از سوی دیگر با ارزیابی آنان از نتایج آن نوع رفتار مرتبط است. درک آشکار و صریح مبادلات اجتماعی که به وسیله توافق افراد و گروه‌ها، صرف نظر از برخی امور برای کسب اموری دیگر که بر اساس عهد و پیمان شکل گرفته. و وارد نظام کنش‌های اجتماعی شده‌اند، به صورت کلی تعهد نامیده می‌شود (میلز<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از پرچمی، ۱۳۷۴: ۶).

1 Hobbes

2 Giddens Anthony

3 Bloomberg L

4 Mills CWright

حس تعلق اجتماعی فرآیندی است که طی آن، مسئولیت پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد. همچنین با تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر شده و رفتار دیگران را پیش بینی پذیر می‌کند. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن، افزایش احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و سرانجام، ثبات رفتار اعضای جامعه می‌شود و همبستگی و انسجام و حس وفاداری به جامعه را افزایش می‌دهد. در نتیجه افراد به دلیل وابستگی به جامعه خود، آمادگی ایثار و فداکاری برای آن را پیدا خواهند کرد. بنابراین، می‌توان حس تعلق اجتماعی را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی و ارکان تصمیم‌گیری فرد درباره تنظیم روابط مناسب و ثمربخش با جامعه دانست.

زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر، منطقه را ترک می‌کند و رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط به منافع شخصی‌اش می‌اندیشد (ناطق پور، ۱۳۸۳). چنین وضعیتی به تدریج، آشفتگی و بی‌نظمی و از هم گسیختگی اجتماعی را به دنبال می‌آورد و باعث می‌شود جامعه شرایط توسعه و توسعه یافتگی را در خود به وجود نیاورد. در وضعیت فعلی، لزوم پرداختن جدی به موضوع تعلق اجتماعی بیشتر از گذشته احساس می‌شود، زیرا از سویی جوامع شهری امروزی دچار مشکلاتی از قبیل مسئولیت پذیر نبودن، اختلال روابط اجتماعی، رعایت نکردن نظم اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی شده است.

### تعریف نظم و بی‌نظمی

از نظر فیرکانت<sup>۱</sup> اساس حفظ وحدت درونی، داشتن نظم اجتماعی است، پس از نظر محتوا، نظم داشتن به معنای پذیرش هنجارهای معینی از طرف اعضای گروه نیز هست (روزن‌باوم<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳: ۸۸). چلبی، نظم اجتماعی را ترکیب و نفوذ متقابل مشبک آرمانی. هنجاری، تعاملی و فرصتی می‌داند، به بیان دیگر نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۶).

1 Fircant  
2 Rosen Boum

تنهایی، نظم را به معنای برقرار کردن مقررات و هنجارها و اجرای هنجارها و وجود ضمانت اجرایی برای اجرای هنجارها می‌داند. اگر جامعه منظم نباشد نشانگر عدم رعایت هنجارها در آن جامعه است. تعادل نیز علاوه بر این که حالتی ساختی دارد، در عین حال رابطه متعادل و متوازن روانشناختی را بین اجزای ساختی مشخص می‌کند، یعنی آیا رعایت هنجارها به شکلی متعادل و متوازن است یا خیر؟ (تنهایی، ۱۳۷۱: ۲۵). نظم در دیدگاه هایک، توصیف وضعیتی از امور است که در آن، عناصر متعددی از انواع متفاوت، در چنان ارتباطی با یکدیگر هستند که می‌توانیم با شناخت برخی از عناصر زمانی یا مکانی تشکیل دهنده مجموعه، پیش بینی‌های صحیحی درباره بقیه ارائه داده یا حداقل پیش بینی‌هایی انجام دهیم که بخت زیادی برای درست از کار درآمدن آنها وجود دارد. واضح است که هر جامعه ای باید نظامی به این معنا داشته باشد. چنین نظامی بدون اینکه عامدانه ایجاد شده باشد وجود خواهد داشت (هایک<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰).

و در آخر، نظم در مقابل بی‌نظمی، به معنای آشفته، درهم، نابسامان قرار می‌گیرد و در لغت به معنای آراستن و ترتیب دادن است (دهخدا، ۱۳۲۵). نظم عبارت است از نوعی پیوند و همکاری بین اجزای یک مجموعه در راستای تحقق هدفی معین، به گونه‌ای که هریک از اجزاء، مکمل دیگری بوده و فقدان هر جزء موجب فقدان اثر مطلوب و هدف مورد نظر مجموعه می‌شود (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۵: ۷۳). پس به طور کلی هر آنچه، مقابل نظم قرار گیرد، معادل بی‌نظمی تلقی می‌شود.

## نظریه جامعه‌شناسان کلاسیک

### ماکس وبر<sup>۲</sup>

وبر در کار کلاسیک خود درباره مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، وقتی درباره نظم و نظم مشروع در جامعه، صحبت می‌کند می‌گوید: در واقع جهت‌گیری و تطبیق رفتار انسان‌ها با یک نظم اجتماعی و رعایت آن به طبع با انگیزه‌های بسیار متفاوت صورت می‌گیرد. اما این واقعیت که در کنار انگیزه‌های دیگر، نظم اجتماعی، حداقل از نظر بخشی از مردم به عنوان رفتاری خوب و سرمشق گرفته و با احساس وظیفه درونی در نظر گرفته می‌شود که باید رعایت شود. طبعاً این شانس و احتمال را افزایش می‌دهد که رفتار براساس آن تطبیق داده و جهت‌گیری شود،

1 Von Hayek

2 Weber, Max

به عبارت دیگر، حداقل، بخشی از رفتار انسان‌ها مبتنی بر هنجارهای درونی است که انسان را از درون موظف می‌سازد تا آن هنجارها را رعایت کند و این یک علت اساسی نظم اجتماعی است. وبر در ادامه می‌گوید: آن‌گونه نظم اجتماعی که صرفاً مبتنی بر انگیزه‌های عقلانی هدف‌مند باشد، عموماً بسیار ناپایدار است. انسان رفتار خود را با آن نوع نظم مبتنی بر آداب و رسوم تطبیق می‌دهد که در اکثر موارد رفتار درونی او را تعیین می‌کند (وبر، ۱۹۷۳؛ به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

وبر هنگامی که به ضمانت مشروع نظم اجتماعی می‌پردازد در واقع هنجارهای درونی و بیرونی را مشخص‌تر و آن‌ها را نیز دسته‌بندی می‌کند. او معتقد است که نظم اجتماعی از دو طریق به دست می‌آید:

الف. کاملاً درونی و از طریق:

- کاملاً احساسی و عاطفی: یعنی انسان‌ها از طریق پیوندهای احساسی، خود را وقف یا موظف به پیروی از هنجارها می‌بینند.

- عقلانی ارزشی: در پی اعتقاد به اعتبار مطلق ارزش‌های عقلانی و به عنوان نهایی‌ترین ارزش‌هایی که انسان موظف است از آن‌ها پیروی کند، مانند ارزش‌های مثبت از آداب و رسوم یا ارزش‌های دیگر.

- مذهبی: در پی اعتقاد به ارتباط بین رفتار صادقانه و پیروی از فرائض (از یک طرف) و کسب موهبات الهی (از طرف دیگر). یعنی انسان برای کسب موهبات الهی و مورد عنایت قرار گرفتن از جانب او، از دستورات و هنجارها پیروی می‌کند  
ب. از طریق انتظارات از پیامدهای خاص بیرونی:

به طور مثال از طریق حفظ یا کسب منافع و انتظارات خاص (وبر، ۱۹۷۳؛ به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

### امیل دورکیم<sup>۱</sup>

دورکیم معتقد است که به منظور تبیین پدیده‌های اجتماعی، توصیف‌ها و تبیین‌های جامعه‌شناختی می‌بایست شامل دو عنصر اساسی باشد: علل پدیده‌های اجتماعی، کارکرد

پدیده‌های اجتماعی. او در توصیف و تبیین انحرافات اجتماعی بر مفهوم آنومی تأکید کرده و این اصطلاح را اولین بار در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» به کار برده است. از نظر دورکیم، «آنومی» به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۵۹۰).

در واقع آنومی اشاره به نوعی بی‌سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی، بی‌هنجاری در نظام جمعی دارد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی، به تفصیل بیان می‌دارد که اجتماعات، به‌طور طبیعی گسترش یافته و از ماهیتی به‌طور نسبی ساده و غیرمرکب، به صورت پیچیده تبدیل می‌شوند. اولین شرطی که دورکیم بدان اشاره می‌کند انسجام مکانیکی است که در آن افراد جوامع براساس شباهت‌ها و همانندی‌ها، گرد هم می‌آیند.

هنجارها اشاره به سیستم پاداش‌ها و مجازات‌هایی می‌کنند که اجرای اصول و قواعد رفتاری جامعه را تضمین می‌نمایند. زیرا زندگی اجتماعی در صورت وجود نظمی خاص امکان‌پذیر است. در روابط متقابل، انسان‌ها لازم می‌دانند که رفتار طرف مقابل را به‌طور کلی پیش‌بینی کنند تا به موازات آن اعمال خود را تنظیم نمایند. در حقیقت آن‌ها هنجارهایی را شناخته و برپایه آن فرض می‌کنند که دیگران هم آنان را مراعات خواهند کرد. عدول از چنین قواعد و عدم‌متابعت از چنین هنجارهایی را دورکیم «نابهنجاری» می‌نامد. مثلاً او نوعی خودکشی را که ناشی از نوسانات و اختلالات اجتماعی است. «خودکشی بی‌هنجاری» می‌نامد. به عقیده دورکیم، حدود خواسته‌های فرد در جامعه، تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این ضوابط است که شخص می‌تواند تمایلات، خواهش‌ها و خواسته‌های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی (آنومی) شوند و وضع نابسامانی پیش آید، فرد دیگر قادر نیست رابطه منطقی بین خود و جامعه برقرار و در متابعت از قوانین، هدف‌ها و رفتار خود را تنظیم کند. در چنین شرایطی است که فرد ضوابطی برای رفتار خود ندارد و در حالت نابسامانی بسر می‌برد. این نابسامانی در رفتار و کنش او متجلی و منعکس است و احتمال این‌که فرد در چنین شرایطی دست به رفتاری بزند که از نظر اجتماعی هنجارشکنی و انحراف شناخته شود زیاد است. بنابراین براساس این تئوری، عدم‌وفاق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم‌یگانگی و یا همبستگی اجتماعی، عامل بروز انحراف است. در واقع انحراف پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هر چه میزان بی‌هنجاری و

عدم‌وفاق در مورد هنجارها بیشتر شود انحراف و کجروی نیز افزایش می‌یابد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۴).

### نظریه بی‌هنجاری مرتن<sup>۱</sup>

مرتن شاگرد پارسونز، مهم‌ترین نظریه‌پرداز کارکردی - ساختاری است که نقش بزرگی در بسط و توسعه آنومی در جامعه‌شناسی معاصر دارد. مرتن تحت تأثیر دورکیم بوده و بر مسئله ساخت هنجاری و تأکید بر آرزوها و امیالی که هنجارها، آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند و باعث خودگرایی می‌شود و یا به بی‌هنجاری تأکید دارد (مرتن، ۱۹۶۸: ۶۵). در واقع می‌توان گفت که مرتن نظریه‌ای را وضع می‌کند که براساس آن همه رفتارها، اعم از راست رفتاری و یا کژرفتاری، معلول و محصول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در نظر آمده است.

مرتن در مقاله کوتاهی در مجله جامعه‌شناسی آمریکا، تحت عنوان «ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری»، پایه‌ها و ارکان یک نظریه عمومی کژرفتاری را پی‌ریزی نموده و سپس آن را در کتاب خود به نام «نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی» توسعه داد. او نخست میان سه عامل اصلی که در نظریه آنومی دورکیم به طور محدود و پنهانی مطرح شده بود تمیز گذاشت و آن‌ها را آشکار ساخت:

اول: هدف‌های فرهنگی<sup>۲</sup> یا خواست‌ها و اشتیاق‌هایی که فرهنگ جامعه به اعضای خود آموخته است. این عامل یکی از اجزای ساخت فرهنگی است.

دوم: قواعد رفتار اجتماعی که وسایل مشروع برای نیل به هدف‌های فرهنگی را معین ساخته و افراد جامعه را مکلف می‌سازد تا برای رسیدن به هدف‌ها، راه‌هایی را دنبال کنند و از وسایلی بهره‌گیرند که قواعد رفتار اجتماعی معین کرده است.

سوم: توزیع واقعی وسایل و فرصت‌ها برای به دست آوردن هدف‌های فرهنگی، به شیوه‌ای مشروع و همساز با قواعد اجتماعی. این‌ها را می‌توان وسایل نهادی شده نامید. آن‌ها جنبه‌ای یا جزئی از ساخت اجتماعی هستند که اوضاع و احوال عینی و واقعی عمل اجتماعی را تعیین می‌کنند (اشرف، ۱۳۸۳: ۶۲).

---

1 Merton Robert K

2 Culture Goals



به نظر مرتن احساس واقعی سرخوردگی، درماندگی، بی‌عدالتی، به تنهایی از هیچ یک از این عوامل بر نمی‌خیزد، بلکه از روابط خاص میان آن‌ها پدید می‌آید. به زعم مرتن بریدگی میان اهداف، قواعد و وسایل نهادی شده ممکن است به دو صورت پدید آید:

۱. به خاطر وسعت یافتن شتابان هدف‌ها

۲. به واسطه محدود شدن تعریف راه‌های مشروع برای دست یافتن به آن‌ها

لکن برای گسیختگی میان اهداف و وسایل، هیچ کدام از این جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی لازم نیست دگرگون شوند. اگر توزیع واقعی امکانات و فرصت‌ها، دگرگون شود (همچون زمان رکود اقتصادی) رفتارهای همساز با قواعد اجتماعی که زمانی موجب نیل به اهداف می‌شده است دیگر فرد را به پاداش‌هایی که در انتظار آن‌هاست رهنمون نمی‌کند. بدین ترتیب کنش متقابل میان این متغیرها که ساخته و پرداخته شرایط اجتماعی است موجب ناراحتی و فشار بر فرد می‌شود (همان: ۱۷۱).

مرتین معتقد است که در یک جامعه منظم، اهداف<sup>۱</sup> و ابزار<sup>۲</sup> یا شیوه‌ها در هماهنگی و یگانگی و تطابق به سر می‌برند، هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق، زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و یا ابزار یا شیوه‌های دستیابی به هدف بشود (مرتین، ۱۹۶۸: ۱۵۷).

### کارل مارکس<sup>۳</sup>

مارکس معتقد بود، انسان‌ها طی نبردشان با طبیعت و تأمین معیشت، از طریق کار دسته‌جمعی، سازمان‌های اجتماعی ویژه‌ای را پدید می‌آورند که با شیوه‌های تولید خاص‌شان هماهنگ باشند. همه این شیوه‌های سازمان اجتماعی، به جز آن شیوه‌هایی که در نخستین مرحله کمونیسم ابتدایی رایج بودند، با نابرابری اجتماعی مشخص می‌شوند. همین که جوامع بشری از حالت جماعت‌های اساساً بدون تمایز بیرون می‌آیند، تقسیم کار به پیدایش قشربندی اجتماعی می‌انجامد، یعنی به پیدایش طبقاتی از مردم، که بر اثر دسترسی‌های متفاوت‌شان به وسایل تولید و قدرت اجتماعی، از یکدیگر متمایز می‌شوند. با توجه به کمیابی نسبی منابع، هر اندازه اضافه

---

1 goals

2 means

3 Marx Karl

محصولی که انباشته گردد، به دست کسانی خواهد افتاد که از طریق سلب مالکیت وسایل تولید از دیگران، تسلط به دست آورده باشند. اما این تسلط هرگز همچنان بلامنازع نخواهد ماند. به همین دلیل است که تاریخ جامعه بشری، تاکنون، تاریخ نبرد طبقاتی بوده است. گرچه مارکس را می‌توان یک تکاملی‌اندیش تاریخی دانست، اما نباید او را به اشتباه یک اندیشمند معتقد به تکامل تک خطی بینگاریم. او به دوره‌های رکود نسبی در تاریخ بشری به ویژه در جوامع شرقی، به خوبی آگاه بود و می‌دانست که دوره‌هایی در تاریخ وجود دارند که با وقفه و توازن موقتی طبقاتی مشخص می‌شوند.

مارکس پس از مرحله آغازین کمونیسم ابتدایی، چهار شیوه تولید عمده و پیاپی را در تاریخ نوع بشر در نظر گرفته بود: تولید آسیایی، باستانی، فئودالی و بورژوایی. هریک از این شیوه‌های تولید از رهگذر تناقض‌ها و تنازع‌های پرورده در دل نظام پیشین پدید می‌آیند. به اعتقاد او: «هیچ سامان اجتماعی تازه‌ای پدیدار نمی‌شود، مگر آن که پیش از آن، همه نیروهای تولیدی موجود در بطن سامان پیشین تحول یافته باشند؛ و روابط تولیدی نوین و برتر هرگز پدید نمی‌آید، مگر آن که شرایط مادی وجود این روابط، در دل جامعه قدیم به خوبی پرورانده شده باشند».

تنازع‌های طبقاتی ویژه هر شیوه تولید خاص، به پیدایش طبقاتی می‌انجامد که دیگر نمی‌توانند در چارچوب نظم موجود، منافعشان را تأمین کنند، در این ضمن، رشد نیروهای تولیدی به آخرین حدود روابط تولیدی موجود می‌رسد. هرگاه که چنین لحظه‌ای فرا رسیده باشد، طبقات جدیدی که باز نماینده اصل تولیدی نوینی هستند و در زهدان سامان موجود پرورانده شده‌اند، شرایط مادی مورد نیاز برای پیشرفت آینده را می‌آفرینند. به هر روی، «روابط تولیدی بورژوایی، فرجامین صورت تنازع در فراگرد اجتماعی تولید» است. هرگاه که این آخرین نوع روابط تولید متنازع از سوی پرولتاریای پیروز برانداخته شود، «ماقبل تاریخ بشری به پایان خواهد رسید» و اصل دیالکتیکی که بر تکامل پیشین بشر حاکم بود، دیگر از عملکرد باز خواهد ایستاد و در روابط انسان‌ها، هماهنگی، جانشین ستیزه اجتماعی خواهد شد. (کوزر<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۱) مارکس با تحلیل دگرگونی‌های اجتماعی، دگرگونی‌ها را در رابطه با دو دسته از عوامل، مورد بررسی قرار می‌دهد: نیروهای برون‌ی که خارج از سیستم قرار دارند (مثل اثرات محیطی، اقلیم یا اشاعه، گسترش تکنیک و آگاهی‌ها) و نیروهای درونی که توسط سیستم

اجتماعی، در درون خود سیستم و از کارکردهای آن پا می‌گیرند. این از ویژگی‌های سیستم اجتماعی است که در درون خود، نیروی‌هایی را بوجود می‌آورد که باعث دگرگونی‌ها و تبدیل آن می‌شوند (وثوقی، ۱۳۷۱: ۲۴۶).

از نظر مارکس نظم پذیری تحت تأثیر سلطه طبقه حاکم شکل می‌گیرد زیرا ارزشهای حاکم بر جامعه چیزی جز ارزشهای طبقه مسلط نیست. مارکس معتقد است صاحبان قدرت، همواره مطلوبیت نظم را از این منظر می‌نگرند که ثبات نظم در جامعه، عامل مهمی در حفظ قدرت آنان است، در حالیکه توده‌های محروم، خواستار برهم زدن نظم موجود و خلق دنیایی جدید هستند. مارکس معتقد است نابرابری‌های طبقاتی عامل اصلی بی‌نظمی است و هنگامیکه فرد چنین احساسی داشته باشد سعی در مقابله با وضعیت حاکم بر جامعه می‌نماید و این موضوع در کلانشهرها شدت بیشتری پیدا می‌کند (ساج، ۱۳۸۰: ۵۱).

### تالکوت پارسونز<sup>۱</sup>

پارسونز هسته اصلی نظم را در کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است. به بیان دقیقتر در مرحله اول، حل مسئله نظم منوط است به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی، که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و فرهنگی میسر می‌شود، البته بسیاری بر این باورند که راه حل نظم را تنها در نظام هنجاری، آن طور که پارسونز می‌بیند نباید محدود کرد، بلکه باید در نظام رابطه‌ای جامعه نیز، آن را جست و جو نمود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵-۱۴).

تالکوت پارسونز، با الهام از این نگرش برای مسأله نظم اجتماعی چهار ضرورت کارکردی را مطرح می‌نماید که عبارتند از:

- انطباق با محیط اجتماعی
- هدف یابی و پی‌جویی اهداف نظام اجتماعی
- انسجام اجتماعی در جامعه
- حفظ الگوهای فرهنگی و تداوم آنها در جامعه (خورشیدی، ۱۳۹۰).

او مسائل اجتماعی از جمله نظم را در دو سطح خرد و کلان می‌بیند. در سطح خرد می‌گوید که فرد و تعامل، دو عنصر سازنده و نقش آفرین هستند، یعنی افراد باید باشند و آنها ضمن ایجاد

تعامل (اظهاری) با یکدیگر به تشکیل اجتماع و عنصر کلی «ما» پردازند و بدین گونه، یک اجتماع تشکیل شود، ایشان برقراری نظم خرد را مشروط به چهار عنصر؛ «همفکری مشترک»، «همگامی مشترک»، «همدلی مشترک» و در نهایت «همبختی مشترک» می‌داند (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۷).

## نظریه پردازان نوین

### آنتونی گیدنز<sup>۱</sup>

گیدنز معتقد است، در کانون نظم اجتماعی، مفهوم اعتماد قرار دارد و این اعتماد است که نظمی پایدار را شکل می‌دهد. او در بحث از اعتماد، به تفاوت آن در جوامع سنتی و مدرن اشاره می‌کند و معتقد است در جوامع مدرن اعتماد حالتی انتزاعی پیدا کرده است، زیرا وجه عمده این نوع اعتماد در جوامع مدرن پایبندی‌های بی‌شکلی است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

گیدنز در دیدگاه اصالت ذهن یا عاملیت، پدیده‌های اجتماعی را حاصل افعال آدمیان می‌داند و آدمیان عاملانی هستند که، ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امرونهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حکومت می‌کند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۳). به دیگر سخن، انسان‌ها موجوداتی هستند که دارای علم و نیت هستند و رفتار آنها مبتنی بر دلیل و سنجش و ارزیابی عاقلانه و محاسبه‌گرانه است، این دیدگاهی سوژه محور است. پذیرش نظریه اصالت عاملیت در علوم اجتماعی پیامدهای گوناگونی را در پی دارد:

اول؛ اینکه نظم اجتماعی با نظم طبیعی تفاوت دارد، زیرا در نظم اجتماعی نسبت و اراده و آگاهی، عامل مهم است ولی در نظم طبیعی، اوصاف ثابت و عینی و قانون طبیعی حاکم بر آنها مهم است.

دیگر؛ اینکه، نیت مند بودن، ارادی بودن و عالمانه بودن پدیده‌های اجتماعی راه را برای نحوه‌ای خاص از تبیین در علوم اجتماعی باز می‌کند که در علوم طبیعی ممکن نیست. در این صورت بسیاری از پدیده‌های اجتماعی حاصل عمل‌های هدفمند و مقصد دار است. به عبارتی با آگاهی از اینکه انسانها چه خواسته‌ای دارند و اعتقادات آنها چیست و از عملشان چه هدفی دارند، می‌توان به فهم و تبیین عمل آنها پرداخت (لیتل<sup>۲</sup>، ۱۳۷۳: ۶۹).

1 Giddens Antony

2 Little Mix

از نظر گیدنز، تولید یا بناساختن جامعه، کار ماهرانه‌ای است که اعضای جامعه انجام می‌دهند. اما این کار تحت شرایطی انجام می‌گیرد که نه کاملاً عمدی است و نه کاملاً از جانب آنها درک می‌شود. کلید فهم نظم اجتماعی به کلی‌ترین معنای این واژه نه درونی شدن ارزش‌ها بلکه تغییر روابط میان تولید و بازتولید زندگی اجتماعی به دست کنشگران سازنده آن است، اما هر باز تولیدی ضرورتاً تولید نیز هست و بذر تغییر در هر عملی است که در بازتولید هر شکل نظم یافته زندگی اجتماعی مشارکت می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

### پیر بوردیو<sup>۱</sup>

در اندیشه بوردیو نیز احساس نابرابری افراد در جامعه، نقش مهمی در کاهش نظم اجتماعی دارد. او معتقد است، نابرابری‌های ساختاری، نظم اجتماعی را مختل نموده و زمینه لازم برای اعمال خشونت آشکار و پنهان و نمادین را فراهم می‌سازد، در این حالت، سبک زندگی خاصی بر افراد تحمیل می‌شود در حالیکه در توسعه متوازن، الگوهای کنش و کردار همسو و هماهنگ بوده و نظم اجتماعی، منطقی درونی پیدا می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۸).

در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی، اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را از دست داده و مدیریت اخلاقی لازمه را نمی‌توانند اعمال کنند و در نتیجه افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین کنند. در واقع بی‌هنجاری، وضعیت اجتماعی ویژه ایست که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز گردیده و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی می‌شود. لذا فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن خود پناه برده و بدبینانه، همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. در نتیجه کلیه اختلالات، نابسامانی‌ها، کج رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، پیامدهای هنجاری، بیگانگی و بازبینی، نظارت و کنترل اجتماعی ناکافی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۳).

### تراویس هیرشی<sup>۲</sup>

تراوس هیرشی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان افراد و جامعه، مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل

---

1 Bourdieu Pierre

2 Hirschi, T

رفتارهای فرد است و ضعف یا نبود آن موجب اصلی ناهنجاری است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۹۰: ۵۲). افراد به علت کنترل رفتار و تمایلاتشان به وسیله عوامل درونی و بیرونی، از قوانین پیروی می‌کنند، در نتیجه زمانی افراد کنش هم‌نویانه نشان می‌دهند که از هر دو جنبه درونی و بیرونی کنترل شوند. درحقیقت قدرت کنترل درونی و بیرونی بر افراد، موجب اطاعت از قانون و هم‌نویایی می‌شود. با افزایش خودکنترلی افراد، زمینه هم‌نویایی با هنجارها و قوانین نیز در آنها افزایش می‌یابد. در حالی که کنترل غیررسمی از سوی خانواده، دوستان و افراد دیگر جامعه، زمینه پیروی کردن افراد از قوانین را فراهم می‌کند.

در صورت محکم بودن پیوند اجتماعی در جامعه، کنترل بر فرد نیز شدت می‌یابد و افراد به راحتی از قوانین سرپیچی نخواهند کرد. از سوی دیگر براساس رویکرد نظری عدالت رویه‌ای، وقتی مردم در زندگی روزمره با شیوه‌های اعمال قانون در جامعه روبه‌رو می‌شوند، در صورت عادلانه دانستن این رویه‌ها، این موضوع بر رفتار بعدی آنها درباره رعایت قانون مؤثر خواهد بود. در واقع فرسایش سرمایه جامعه، منجر به تضعیف پیوندهای عینی و ذهنی میان کنشگران اجتماعی، بی‌اعتمادی افراد نسبت به جامعه، کاهش تعهد، همبستگی و مشارکت اجتماعی و هدایت کنش‌ها به سوی نفع شخصی و فردگرایی خواهد شد. در چنین شرایطی هنجارهای مسلط جامعه به چالش کشیده شده و نظم اجتماعی سست می‌شود (صادقی فسایی و امینیان: ۱۳۹۳).

بنابراین نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل و منابع مهم اجتماعی شدن و هم‌نویایی با جامعه باشد. هر گاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد، ما او را شخص منحرف می‌شناسیم. اگر این گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم‌گسیختگی روبه‌رو می‌شود. با کاربرد ابزارهای نظارت اجتماعی، جامعه می‌تواند بزهکاران را زندانی کند و یا به دلیل ابتلای آن‌ها به بیماری روانی و یا اعتیاد در بیمارستان روانی و ترک اعتیاد بستری سازد. گذشته از این نظارت رسمی، نظارت‌های غیررسمی دیگری چون طرد گروه نیز می‌تواند به عنوان روش‌های مؤثر نظارت‌های اجتماعی به کار آیند. (همان: ۹۰).

هیرشی معتقد است که وابستگی به جامعه دارای چهار عنصر اصلی است:

### (۱) علاقه

کسانی که علاقه به دیگران دارند به رفاه و احساسات آن‌ها حساس بوده و مایلند با مسئولیت عمل کنند. بالعکس کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و لذا بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخدر استعمال نمایند.

### (۲) تعهد

احساس بدهکاری یا دینی که مردم نسبت به جامعه دارند و هر چه سرمایه‌گذاری افراد در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند که با جامعه همنا باشند تا که بتوانند دستاوردهای خود را حفظ نمایند. لذا خطر ارتکاب جرم کمتر می‌شود.

### (۳) مشغولیت

مشغولیت، مشارکت دائم در فعالیتهای غیرانحرافی است. درگیری در امور زندگی روزمره، وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند، در حالی که کسی که کار می‌کند، خانواده تشکیل داده و سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرم ندارد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

### (۴) ایمان - عقیده

هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. کسانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات اخلاقی جامعه دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند. هیرشی اضافه می‌کند که معتقد نیست افراد کجرو از اعتقادات اجتماعی معمول بی‌اطلاع هستند، اما مسئله میزان قوت و ضعف این اعتقادات، و رابطه آن با معنی این اعمال نزد افراد کجرو است. در نتیجه هرچه افراد کمتر اعتقاد داشته باشند که باید از هنجارها و قوانین پیروی کنند بیشتر احتمال دارد که منحرف شوند (همان: ۱۲۲).

در هر حال کنترل و نظارت اجتماعی، ابزار مهمی در تثبیت هنجارهای اجتماعی محسوب شده و می‌تواند مانع بروز و پیدایش هرگونه انحراف بشود. در واقع اگر کسی خود را در معرض

دید مستقیم دیگران احساس کند و به ارزش‌های فیما بین معتقد باشد به خود اجازه نخواهد داد مرتکب خلاف و بزه گردد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت کنترل اجتماعی منجر به یکپارچگی بیشتر جامعه شده و اقتدار ناشی از یکپارچگی، خود عامل بسیار مؤثری در پیشگیری از انحراف و بزهکاری است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۰-۹۱).

### هائینگتون<sup>۱</sup>

جامعه‌شناسان سیاسی نیز به این موضوع توجه خاص نشان داده‌اند، هائینگتون بر توسعه نهادمندی تأکید می‌کند و معتقد است اگر توسعه چندجانبه نباشد، میزان مشارکت اجتماعی افراد در جامعه کاهش پیدا می‌کند و نظم اجتماعی با اختلال رو به رو می‌شود.

### تد رابرت گر<sup>۲</sup>

رابرت گر نیز محرومیت نسبی را عامل مهمی در کاهش نظم اجتماعی می‌داند و معتقد است عمده‌ترین عامل مؤثر بر کاهش نظم اجتماعی احساس بی‌عدالتی افراد در جامعه است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۸).

### پیشینه پژوهش

در این مقاله، به مطالعه و بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین که تا حدودی مرتبط با موضوع تحقیق بوده، پرداخته شده، و از آنجا که تحقیقات زیادی در این زمینه صورت نگرفته، به تحقیقاتی که نزدیک به موضوع و مسئله ما بوده، اشاره می‌شود. تا بتوان عوامل مؤثر بر عدم تعهد به نظم اجتماعی را شناخت.

### پیشینه پژوهش در خارج

کیلی ایروین<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۲۰۰۸، در مقاله‌ای با عنوان «همدردی و نظم اجتماعی» در صدد بررسی تأثیر همدردی بر نظم اجتماعی بودند. آن‌ها استدلال کردند که درک و وابستگی متقابل، همدردی نسبت به غریبه‌ها را افزایش می‌دهد. آن‌ها در مقاله خود آورده‌اند که بسیاری از

---

1 Huntington's

2 Robert Ger

3 Irwin



تحقیقات پیشنهاد کرده‌اند که برای ظهور و تداوم نظم اجتماعی، افراد باید در جهت منافع دیگران عمل کنند. نتایج تحقیق آن‌ها نیز نشان می‌دهد که احساس همدردی، نفع شخصی را کاهش می‌دهد. بنابراین مردم را قادر می‌کند تا بیشتر به سمت نفع عمومی عمل کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از موقعیت‌هایی که برای نظم اجتماعی مشکل سازند، ممکن است یک راه حل داشته باشند و آن تضاد بین منافع فردی و جمعی است که در معضلات اجتماعی مستتر و پنهان مانده است.

هاردین<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «معرفت‌شناسی اعتماد در سطح جامعه» به این نتیجه رسید که نظم اجتماعی بر پایه اعتماد بین افراد استوار شده است و اعتماد نیز خود رابطه‌ای سه وجهی بین اعتماد کننده، اعتماد شونده و موضوع مورد اعتماد است. هاردین در ادامه مطالعات خود، اذعان می‌دارد که مطالعات انجام شده در دنیای غرب با هدف کشف عوامل تأثیرگذار بر نظم اجتماعی و دستیابی به نوعی تعمیم‌پذیری در این زمینه صورت گرفته است. در این مطالعات اعتماد اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار مطرح شده به طوری که محور عمده مباحث جدید نظم اجتماعی، بر اعتماد اجتماعی و شکل تعمیم یافته آن تمرکز دارد و این اعتقاد وجود دارد که مساوات در فرصت‌های اقتصادی و توسعه‌یافتگی جوامع، منجر به ایجاد اعتماد بین افراد و نظم اجتماعی می‌شود (جلاوا، ۲۰۰۳: ۸۵). و برای مثال به همین دلیل جامعه آمریکا را در مقایسه با اروپا از اعتماد و نظم بیشتری برخوردار می‌دانند (اسلینر، ۲۰۰۲).

اسلینر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «بنیاد اخلاقی اعتماد»، که در دانشگاه کمبریج آن را منتشر کرد، معتقد است، اعتماد را می‌توان دوگونه متفاوت دید. نخست اعتمادی که آن را خاص می‌دانیم و ناشی از تجربه فردی است، یعنی به فردی اعتماد می‌شود چون سابقه خوبی دارد، یا تصور ما درباره آن فرد خاص به گونه‌ای مطلوب است و دوم اعتماد عام یا اخلاقی که به معنی نگرش مثبت به تمامی انسانهاست و افراد ناشناس را نیز در بر می‌گیرد، و این اعتماد در شکل دوم است که اهمیت خاصی در جوامع امروزی دارد. او در جمع بندی پژوهش خود با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» به بررسی علت مشارکت افراد در جامعه آمریکا پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در بی‌اعتمادی بین افراد و نابسامانی در نظم اجتماعی، چیزی جز نابرابری و بی‌عدالتی نیست به طوری که احساس نابرابری موجب کاهش

1 Hardin, Russel

2 Uslaner, E

اعتماد تعمیم‌یافته و گسستگی اجتماعی می‌شود. نگاه دقیق به نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که موضوع اعتماد اجتماعی در قانون مباحث نظم اجتماعی قرار گرفته است.

ارویسکا و هادسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «گریز از مالیات، وظیفه شهری و شهروند مطیع»، نشان می‌دهند قسمت زیادی از جمعیت کشور انگلیس از پرداخت مالیات چشم‌پوشی می‌کنند، که این مسئله در میان جوانان و مردان وسیع‌تر است. نتایج، همچنین از اهمیت وظیفه شهری و اطاعت از قانون در جلوگیری افراد از گریز از پرداخت مالیات حمایت می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که فرار از مالیات به‌عنوان شکلی از قانون‌گریزی در میان بزرگسالان کمتر است، بدین دلیل که آن‌ها احساس می‌کنند کار اشتباهی است و در بعضی مواقع به دلیل ترس از عواقب دستگیر شدن، این کار را نمی‌کنند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قانونمداری و وظیفه شهروندی بر نگرش افراد در حرکت به سمت اعمال قانون‌گریزانه تأثیرگذار است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نه تصورات اخلاقی فرار و نه ترس از عواقب دستگیری با موقعیت زناشویی فرد تغییر نمی‌کند. بلکه تنها احتمال دارد که موقعیت تأهل بر فرار از مالیات فقط از طریق فرصت‌های بیشتری برای فرار که متاهلین دارند تأثیر گذار باشد.

پیتر بلاو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) معتقد است نظم اجتماعی در تبادل اجتماعی شکل می‌گیرد. او اعتماد اجتماعی را شاخصه اصلی مبادله اجتماعی می‌داند و معتقد است در حالی که در مبادله اقتصادی افراد براساس یک قرارداد رسمی توقع مشخصی از منافع مشترک دارند، در مبادله اجتماعی افراد اگرچه این انتظار را در درون ذهن خود دارند، اما در آن تعهدی آشکار و صریح وجود ندارد و حتی زمان مشخصی برای جبران آن در نظر گرفته نمی‌شود، لذا در قانون مبادله اجتماعی نیازمند اعتماد هستیم و از نظر او همین اعتماد است که در نهایت باعث پیوند بین افراد و نظم اجتماعی می‌شود.

الکساندر در سال ۲۰۰۱ نیز اعتماد را یکی از نشانه‌های گفتگوی آزاد و تعامل منطقی در جامعه مدنی می‌داند. او بی‌اعتمادی، انفعال، وابستگی و عدم عقلانیت را از شاخصه‌های جوامع غیردموکراتیک برمی‌شمرد. بدین ترتیب از دیدگاه او نظم اجتماعی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان معنا می‌یابد. البته ریشه اعتقاد الکساندر را می‌توان در آرا و اندیشه‌های پارسونز

1 Orviska, M Hudson, J

2 Robertson

جستجو کرد. زیرا که پارسونز، اعتماد را، نگرش یا احساسی مبتنی بر آشنایی و فرهنگ مشترک می‌داند که قابل فراگیری است و می‌توان آن را جزیی از جامعه‌پذیری دانست.

### پیشینه پژوهش در ایران

ترکان (۱۳۹۱)، در پژوهش خود، تحت عنوان «عوامل قانونگرایی شهروندان در شهر یزد»، به این نتایج دست یافت، که بین سن و تحصیلات و طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ اما بین جنس و وضعیت شغلی افراد و قانونگرایی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان می‌دهد بین دینداری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانونگرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار و بین آنومی و قانونگرایی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.

پوراسماعیلی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «اخلاق‌گرایی نه قانون‌گذاری»، معتقد است نقش باورهای اخلاقی در ایجاد و ثبات و نظم در جامعه به مراتب بیش از قوانینی است که مردم نسبت به آن‌ها پذیرش قلبی ندارند و توصیه می‌کند در این زمینه باید مسائل فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مرضیه موسوی خامنه (۱۳۹۰)، در تحقیق خود تحت عنوان «رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی»، بر نقش نیرومند اخلاق تأکید گذارده و آن را متمایز از باورهای دینی می‌داند. به عقیده او باورهای اخلاقی حتی در جوامعی که دینی نیستند می‌تواند عامل مهمی در جهت انسجام اجتماعی و برقراری نظم تلقی شود.

حسین راغفر (۱۳۸۹) در مقاله «کاستی‌های علوم اجتماعی در شکل‌گیری یک نظریه جامع عدالت اجتماعی»، معتقد است، نقش باورهای اخلاقی در ایجاد و ثبات و نظم در جامعه، به مراتب بیش از قوانینی است که مردم نسبت به آن‌ها پذیرش قلبی ندارند و توصیه می‌کند در این زمینه باید مسائل فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

عباس کاظمی و محمد رضایی (۱۳۸۸) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «شهر بی‌انضباط و محدودیت ظهور شهروندی در ایران»، ضمن بحث حول نتایج یک تحقیق درباب نظارت و کنترل در جامعه نشان می‌دهند شهر بی‌انضباط در ایران از خصایصی چون احساس بی‌هنجاری در میان شهروندان، عدم احساس نظارت و کنترل، بی‌اعتمادی به نهادهای انضباطی و احساس عدم قطعیت قانون برخوردار است. سپس براساس چنین شاخص‌هایی به مؤلفه‌هایی از

عقلانیت در زندگی روزمره می‌رسند که متناسب با شهر بی‌انضباط است که شهر بی‌انضباط قبل از هرچیز متأثر از سازمان اجتماعی جامعه‌ای است که به چنین بی‌انضباطی دامن می‌زند. سوسن باستانی و همکارانش (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت»، معتقد است که مردان به دلیل ارتباط بیشتر با محیط بیرونی و به تبع آن برخورداری از فعالیت‌های اجتماعی بیشتر و قرار گرفتن در موقعیت‌های شغلی و اجتماعی بهتر، نسبت به زنان امکان بیشتری برای گسترش پیوندهای اجتماعی دارند و این موضوع هم به لحاظ تعداد افرادی که با آنها ارتباط دارند و هم به لحاظ نوع و ماهیت و ویژگی‌های آن افراد با زنان تفاوت معناداری دارد. زنان بیشتر نقش تأمین حمایت‌های عاطفی دارند و در حالی که مردان نقش عمده‌ای در حمایت‌های عملی ایفا می‌کنند. در عین حال آنچه مهم است این است که مرد یا زن بودن در جامعه موقعیت‌های متفاوتی را برای افراد فراهم می‌سازد و با توجه به جنسیتی بودن جامعه، نقش مردان در تأثیرگذاری بر فعالیت‌های اجتماعی بیش از زنان است زیرا آنها به جای انجام امور عاطفی دست به اقدامات عملی می‌زنند.

### چارچوب نظری پژوهش

پس از مطالعات و تحقیقات در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک و متأخر در زمینه نظم اجتماعی، از میان متفکران کلاسیک، نظریات وبر، دورکیم، مرتن، مارکس و پارسونز حائز اهمیت هستند و از میان نظریه‌پردازان معاصر نیز، گیدنز، بوردیو، هیرشی، هانتینگتون، تدرابرت گر و فوکو به این مباحث یعنی نظم اجتماعی پرداخته‌اند که محققین توسط آنها مسئله تعهد به نظم اجتماعی را تبیین می‌کنند. براساس آنچه گفته شده متغیرهایی که برای آزمون از چارچوب تئوریک منتخب، استخراج شده‌اند، عبارتند از: احساس ناامنی، باورهای مذهبی، باورهای اخلاقی، مشارکت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی است.

### فرضیه‌های پژوهش

- پس از مطالعه و بررسی ادبیات و مبانی نظری پژوهش، فرضیات زیر استخراج گردید:
- بین میزان تعهد به نظم اجتماعی و متغیرهای مستقل (میزان احساس ناامنی، باورهای مذهبی، باورهای اخلاقی، مشارکت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی) رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان تعهد به نظم اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (جنس، تحصیلات و وضع تأهل) تفاوت وجود دارد.
- بین میزان تعهد به نظم اجتماعی و سن پاسخگویان رابطه معنادار وجود دارد.

### روش تحقیق

این پژوهش از حیث هدف جزء پژوهش‌های کاربردی قرار دارد، زیرا بدنبال شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تعهد به نظم اجتماعی در شهر تهران است. از نظر شیوه گردآوری و تحلیل مطالب نیز جزء پژوهش‌های توصیفی - علی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، از روش مطالعه کتابخانه‌ای و نیز پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش، شهروندان ۶۴-۱۸ ساله ساکن شهر تهران هستند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نمونه قرار گرفتند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است، بدین ترتیب که از ۲۲ منطقه شهر تهران، بصورت تصادفی طبقه‌ای، ۳ منطقه را از شمال، مرکز و جنوب انتخاب کرده‌ایم که شامل مناطق ۳، ۱۲ و ۱۸ می‌باشد، سپس از میان آن‌ها ۳ حوزه را برگزیدیم و از میان ۳ حوزه ۱۰ بلوک بصورت تصادفی انتخاب شد و از هر بلوک بصورت تصادفی تعدادی خانوار انتخاب گردیدند که در آخر نیز برای انتخاب افراد نمونه آن‌ها را به صورت تصادفی ساده برگزیده‌ایم، و پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۵۸ پرسش بوده است.

### روایی و پایایی ابزار تحقیق

در این پژوهش برای حصول روایی قابل قبول، معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از میان شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های قبلی انتخاب شده است و از نظر اساتید، در مقام متخصص این حوزه نیز استفاده شده است، مبنی بر آن‌که آیا سؤالات طرح شده می‌تواند عوامل مؤثر بر میزان تعهد به نظم اجتماعی را مورد سنجش قرار دهد یا خیر. همچنین بمنظور بررسی پایایی ابزار تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده، که نتایج آن در جدول زیرارائه شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود به غیر از التزام به قانون ضریب آلفای کرونباخ تمامی شاخص‌ها بیش از ۰/۷ می‌باشد و بیانگر پایایی بالا گویه است.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق		
شاخص	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
التزام به قانون	۵	۰.۶۵۷
رعایت حقوق شهروندی	۱۰	۰.۷۳۵
اعتماد به دیگران	۱۰	۰.۷۳۶
شاخص تعهد به نظم اجتماعی	۲۵	۰.۷۰۴
باورهای دینی	۱۲	۰.۷۸۴
مشارکت اجتماعی	۶	۰.۸۲۴
احساس ناامنی	۷	۰.۷۶۸
باورهای اخلاقی	۷	۰.۸۱۰
احساس بی عدالتی	۵	۰.۸۳۳
کل گویه ها	۶۲	۰.۸۲۸

### یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی به طور اجمالی بیان می‌شود و به منظور بررسی رابطه میان متغیر وابسته با متغیرهای مورد بررسی پژوهش، تلاش می‌شود تا از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شود. به همین منظور ابتدا با استفاده از آزمون همبستگی وجود رابطه میان دو متغیر نشان داده شده، سپس با استفاده از آزمون کای اسکویر به بررسی کیفیت و شدت رابطه می‌پردازیم.

#### الف. آمار توصیفی متغیر وابسته (تعهد به نظم اجتماعی)

در این مطالعه شاخص تعهد به نظم اجتماعی از طریق سه متغیر، التزام به قانون، رعایت حقوق شهروندی و اعتماد به دیگران مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج بدست آمده به شرح جدول ۲ نشان می‌دهد که، ۳۰/۲ درصد پاسخگویان به میزان بالایی ملزم به رعایت قانون بوده. ۴۶/۶ درصد از آن‌ها به میزان متوسطی التزام به قانون داشته و ۲۳/۲ درصد از افراد به میزان کمی ملزم به قانون بوده‌اند. ۲۳/۷ درصد پاسخگویان در حد خیلی زیاد حقوق شهروندی رعایت می‌کرده‌اند. ۴۹/۹ درصد به میزان متوسط و ۲۶/۸ درصد از افراد به میزان پایینی به رعایت حقوق شهروندی می‌پردازند. از نظر اعتماد به دیگران، ۳۰/۲ درصد به میزان بالا، ۴۳/۵ درصد به میزان متوسط و ۲۶/۳ نیز به میزان پایینی به دیگران اعتماد داشته‌اند. میانگین نمره هر سه متغیر فوق در حد متوسط است، ولی میزان التزام به قانون در بین پاسخگویان، بیشتر از اعتماد به دیگران بوده و اعتماد به دیگران هم بیشتر از رعایت حقوق شهروندی می‌باشد.

جدول ۲: توزیع جمعیت نمونه بر حسب شاخص کلی میزان تعهد به نظم اجتماعی و شاخص‌های آن								
میزان	التزام به قانون		رعایت حقوق شهروندی		اعتماد به دیگران		تعهد به نظم اجتماعی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بالا	۱۱۶	۳۰/۲	۹۱	۲۳/۷	۱۱۶	۳۰/۲	۱۰۳	۲۶/۸
متوسط	۱۷۹	۴۶/۶	۱۹۰	۴۹/۵	۱۶۷	۴۳/۵	۱۷۹	۴۶/۶
پایین	۸۹	۲۳/۲	۱۰۳	۲۶/۸	۱۰۱	۲۶/۳	۱۰۲	۲۶/۶
کل	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰
میانگین	۲/۷		۱/۹۶		۲/۰۳		۱/۹۹	

از تلفیق نتایج سه متغیر فوق، شاخص تعهد به نظم اجتماعی ساخته شد که بر اساس نتایج بدست آمده، ۲۶/۸ درصد پاسخگویان به میزان بالایی به نظم اجتماعی متعهد هستند. ۴۶/۶ درصد به میزان متوسط و ۲۶/۶ درصد از افراد نیز به میزان پایینی تعهد به نظم اجتماعی دارند. میانگین نمره تعهد به نظم اجتماعی، نیز بیان‌کننده نزدیکی آن به عدد ۲ ((معادل ۱/۹۹) یعنی در حد متوسط می‌باشد.

### آمار توصیفی متغیرهای مستقل

در این مطالعه پنج متغیر: احساس ناامنی، دینداری و باورهای مذهبی، باورهای اخلاقی، مشارکت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی به عنوان متغیرهای مداخله‌گر در تغییرات تعهد به نظم اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

یافته‌های جدول ۳ حاکی از آن است که ۱۳/۳ درصد پاسخگویان احساس ناامنی زیادی داشته. ۵۳/۹ درصد به میزان متوسط و ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان نیز در سطح پایین احساس ناامنی می‌کرده‌اند. میانگین نمره احساس ناامنی کمتر از حد متوسط (۱/۸) است. در ادامه می‌بینیم که ۲۶/۸ درصد پاسخگویان دارای میزان دینداری در سطح بالا بوده. ۴۶/۴ درصد از آن‌ها، میزان دینداری ر سطح متوسط داشته و ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان میزان دینداری‌شان در سطح پایین بوده است. میانگین این گویه روی عدد ۲ است یعنی به طور کلی میزان دینداری پاسخگویان در سطح متوسط می‌باشد.

در مورد باورهای اخلاقی، ۲۳/۴ درصد پاسخگویان میزان باورهای اخلاقی آن‌ها زیاد بوده. حدود ۴۳/۸ درصد متوسط ارزیابی شده است و ۳۲/۸ درصد میزان باورهای اخلاقی‌شان پایین بوده است. میانگین به دست آمده از کل گویه ۹۰‌های مربوط به این متغیر برابر ۱/۹ است و به

منزله این است که به طور کلی میزان باورهای اخلاقی افراد کمتر از حد متوسط می‌باشد. در مورد مشارکت اجتماعی، یافته‌ها حاکی از آن است که ۲۶/۶ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی خیلی زیاد داشته. ۴۶/۶ درصد میزان مشارکت‌شان در حد متوسط بوده و ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان میزان مشارکت‌شان در سطح پایین بوده است. عدد میانگین کلی این شاخص روی عدد ۲ است و این یعنی به صورت کلی میزان مشارکت کلی افراد پاسخگو در حد متوسط است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ۲۲/۹ درصد از پاسخگویان، در حد زیاد احساس بی‌عدالتی می‌کرده‌اند. ۵۶/۸ درصد میزان احساس بی‌عدالتی‌شان متوسط ارزیابی شده و ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان میزان احساس بی‌عدالتی خود را پایین اعلام کرده‌اند. میانگین نمره این شاخص روی عدد ۲/۰۲ است یعنی افراد بیشتر از حد متوسط احساس بی‌عدالتی دارند.

جدول ۳: توزیع درصد جمعیت نمونه بر حسب میزان شاخص متغیرهای مستقل					
میزان	احساس ناامنی	باورهای دینی و مذهبی	باورهای اخلاقی	مشارکت اجتماعی	احساس بی‌عدالتی
بالا	۱۳/۳	۲۶/۸	۲۳/۴	۲۶/۶	۲۲/۹
متوسط	۵۳/۹	۴۶/۴	۴۳/۸	۴۶/۶	۵۶/۸
پایین	۳۲/۸	۲۶/۸	۳۲/۸	۲۶/۸	۲۰/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۱/۸	۲/۰	۱/۹	۲/۰	۲/۰۲

### ج- آمار توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۶۳/۶ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۳۶/۴ درصد زن بوده‌اند. از آنجا که مردان بیش از زنان در دسترس بودند و این که همکاری بهتری از خود نشان دادند، باعث شد نتوانیم به میزان مساوی و نصف به نصف پرسشنامه را پر کنیم و آمار مردان بیش از زنان شود. بیشترین گروه سنی پاسخگویان در بین افراد ۳۵ تا ۴۴ سال با ۳۷/۵ درصد گزارش شده است. بعد از آن گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال با ۳۰/۵ درصد، گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال با ۲۵ درصد، گروه سنی ۴۵ تا ۵۴ سال با ۵/۵ درصد، گروه سنی بالای ۵۵ سال با ۱/۶ درصد تشکیل شده است. حدود ۴۱/۱ درصد افراد نمونه مجرد، ۵۵/۲ درصد متأهل، ۱/۸ درصد بدون همسر بر اثر فوت و ۱/۶ درصد بدون همسر بر اثر طلاق بوده‌اند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود ۰/۸ درصد از افراد نمونه دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۳/۲ درصد دارای



تحصیلات دیپلم، ۲۴ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳۱/۳ درصد دارای لیسانس، ۱۳/۳ درصد دارای فوق لیسانس و ۶/۳ درصد دارای تحصیلات دکترا بوده‌اند. در واقع بیشترین آمار پاسخگویان مربوط به افراد دارای تحصیلات لیسانس و سپس دیپلم و فوق دیپلم بوده است.

جدول ۴ : توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های جمعیتی			
ویژگی‌های جمعیتی	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۴۴	۶۳/۵
	زن	۱۴۰	۳۶/۵
گروه‌های سنی	سال ۱۸-۲۴	۱۱۷	۳۰/۵
	سال ۲۵-۳۴	۹۶	۲۵/۰
	سال ۳۵-۴۴	۱۴۴	۳۷/۵
	سال ۴۵-۵۴	۲۱	۵/۵
	سال ۵۵-۶۴	۶	۱/۶
وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۸	۴۱/۱
	متاهل	۲۱۲	۵۵/۲
	بدون همسر بر اثر فوت	۷	۱/۸
	بدون همسر بر اثر طلاق	۶	۱/۶
	اظهار نشده	۱	۰/۳
سطح تحصیلات	زیردیپلم	۳	۰/۸
	دیپلم	۸۹	۲۳/۲
	فوق دیپلم	۹۲	۲۴/۰
	لیسانس	۱۲۰	۳۱/۳
	فوق لیسانس	۵۱	۱۳/۳
	دکترا و بالاتر	۲۴	۶/۳
	اظهار نشده	۵	۱/۳

### آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

در این بخش از پژوهش، به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای مورد مطالعه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. در صورتی که سطح معنی داری این آزمون کمتر از معیار (۰/۰۵) باشد. نشان از وجود رابطه معنا دار میان دو متغیر دارد. در این صورت با بررسی ضریب همبستگی می‌توان به جزییات رابطه پرداخت. در صورتیکه علامت ضریب همبستگی مثبت باشد رابطه از نوع مستقیم و علامت منفی بیانگر رابطه معکوس است.

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون متغیر تعهد به نظم اجتماعی و سایر متغیرهای مستقل در

جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل بر میزان تعهد به نظم اجتماعی پاسخگویان											
متغیر	احساس ناامنی		باورهای دینی و مذهبی				باورهای اخلاقی		مشارکت اجتماعی		احساس بی‌عدالتی
	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری
تعهد به نظم اجتماعی	۰.۱۲۸	۰.۰۰۷	۰.۴۴۸	۰.۰۰۰	۰.۲۹۵	۰.۰۰۰	۰.۲۵۹	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-۰.۱۹۲

با توجه به نتایج جدول بالا، می‌توان بیان کرد که بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی و سایر متغیرهای مستقل تحقیق، از جمله، احساس ناامنی، باورهای دینی و مذهبی، باورهای اخلاقی، مشارکت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر، فقط ضریب همبستگی بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی و میزان احساس بی‌عدالتی منفی است که نشان‌دهنده معکوس بودن رابطه می‌باشد، با توجه به مثبت بودن سایر ضرایب همبستگی (پیرسون)، می‌توان گفت که رابطه متغیر تعهد به نظم اجتماعی با این متغیرها مستقیم است. یعنی هر چه میزان متغیرهای مزبور بیشتر شود، میزان تعهد به نظم اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. ولی هر چه احساس بی‌عدالتی در بین افراد افزایش یابد، تعهد آنها به نظم اجتماعی کمتر می‌شود.

### آزمون فرضیه‌های زمینه‌ای پژوهش

در این بخش از پژوهش به منظور بررسی رابطه بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی و سن پاسخگویان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون، در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر تعهد به نظم اجتماعی و سن پاسخگویان		
متغیر		سن پاسخگویان
تعهد به نظم اجتماعی	ضریب پیرسون	۰/۲۹۸
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
جمع پاسخگویان		۳۸۴

با توجه به جدول بالا، سطح معنی داری این آزمون برابر  $0/000$  محاسبه شده است. که این مقدار کمتر از معیار ( $0/05$ ) می‌باشد. بنابراین رابطه معنی داری بین دو متغیر، تعهد به نظم اجتماعی و سن پاسخگویان مشاهده می‌شود. در نتیجه سن پاسخگویان بر میزان تعهد آن‌ها به نظم اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. به عبارتی هر چه افراد به سن بالا نزدیک می‌شوند، تعهد و التزام آن‌ها به نظم اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول ۷ : بررسی رابطه بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی و جنس، تحصیلات و وضعیت تأهل پاسخگویان			
متغیر	تعهد به نظم اجتماعی		
	درجه آزادی	آزمون T یا F	سطح معنی داری
جنس	۳۸۰	-۱/۷۹۳	۰/۰۱۰
تحصیلات	۳۷۹	۱/۲۱۹	۰/۰۳۰
وضع تأهل	۳۷۹	۱/۴۱۳	۰/۲۳۹

طبق ارقام جدول ۷، سطح معنی داری T-test در بین دو متغیر تعهد به نظم اجتماعی و جنس، مقدار  $0/010$  محاسبه شده است که این مقدار کمتر از معیار ( $0/05$ ) می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان نمود که بین دو متغیر جنس و تعهد به نظم اجتماعی تفاوت معنا دار وجود دارد و میزان تعهد به نظم اجتماعی در زنان کمی بیش از مردان می‌باشد. بین دو متغیر تعهد به نظم اجتماعی و تحصیلات، سطح معنی داری آزمون F مقدار  $0/030$  محاسبه شده است که این مقدار کمتر از معیار ( $0/05$ ) است. بنابراین می‌توان بیان نمود که رابطه معنی داری و مستقیم بین دو متغیر تعهد به نظم اجتماعی و تحصیلات پاسخگویان وجود دارد، بطوریکه هر چه تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، میزان تعهد و التزام آن‌ها به نظم اجتماعی هم افزایش می‌یابد. و در مورد رتبط بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی و وضعیت تأهل، با توجه به جدول بالا سطح معنی داری آزمون مورد بررسی، مقدار  $0/239$  محاسبه شده است که این مقدار بیشتر از معیار ( $0/05$ ) می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان نمود که رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود ندارد. یعنی مجرد و یا متأهل بودن افراد تاثیری در میزان تعهد آنها به نظم اجتماعی ندارد.

### نتایج تحلیل رگرسیون

ما در این تحقیق برای سنجش تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش رگرسیون خطی چند متغیره استفاده کرده‌ایم، تا مشخص شود که متغیرهای مستقل به طور همزمان چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و سهم هر کدام از این متغیرها چقدر است.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که مقدار ضرایب همبستگی R بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل، برابر با ۰/۵۶۹ شده و مقدار ضریب تعیین یا R<sup>2</sup> برابر با ۰/۳۲۴ شده است. ضریب تعیین نشان دهنده میزانی از واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود، یعنی متغیرهای مستقل تحقیق (احساس ناامنی، باورهای دینی و مذهبی، باورهای اخلاقی، و تحصیلات) هنگامی که به طور همزمان در رابطه با متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند، به میزان ۳۲ درصد از تغییرات تعهد به نظم اجتماعی را تبیین می‌کنند، و بقیه متغیرها تأثیر معنی داری نداشته‌اند که می‌توانند از مدل رگرسیون حذف شوند. نتایج رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل، متغیر میزان باورهای دینی و مذهبی بیشترین مقدار در تبیین واریانس متغیر وابسته (تعهد به نظم اجتماعی) را دارد.

فرمول معادله همبستگی چند متغیره شاخص تعهد به نظم اجتماعی با متغیرهای مستقل مانده در معادله به شرح زیر می‌باشد:

$$+ (باورهای اخلاقی) ۰/۱۱۷ + (دینداری) ۰/۳۴۴ + ۱/۱۷۸ = \text{میزان تعهد به نظم اجتماعی} \\ + (میزان ناامنی) ۰/۰۴۴ - (تحصیلات) ۰/۰۰۸$$

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، میزان تعهد شهروندان به نظم اجتماعی، به مثابه یکی از مباحث کانونی جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است، زیرا بدون نظم، جامعه دچار نوعی آنومی و یا آشفتگی اجتماعی خواهد شد. از آنجا که این واژه مفهومی انتزاعی بوده و برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود، در قالب سه شاخص تعریف شد: ۱. التزام به قانون، ۲. رعایت حقوق شهروندی و ۳. اعتماد به دیگران؛ بدین معنا که هر کس این سه مؤلفه را رعایت کرده و به آن پایبند باشد، در نهایت به نظم اجتماعی نیز متعهد خواهد بود. محققین علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، ۵ متغیر اصلی را به عنوان متغیر مستقل اثرگذار بر متغیر وابسته در نظر گرفته‌اند: متغیرهای احساس ناامنی، باورهای دینی و مذهبی، باورهای اخلاقی، مشارکت اجتماعی و احساس بی‌عدالتی.

با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحقیق، ۲۶/۸ درصد از پاسخگویان به میزان بالا، ۴۶/۶ درصد به میزان متوسط، و ۲۶/۶ درصد در حد پایین به نظم اجتماعی متعهد بوده‌اند. از بین پاسخگویان ۶۳/۶ درصد مرد و ۳۶/۴ درصد زن بودند. علت فزونی مردان، در دسترس بودن و همکاری بهتر آنان می‌باشد. افراد واقع در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال نیز بیشترین درصد (۳۷/۵)

درصد) پاسخگویان را تشکیل داده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، حدود ۴۱/۱ درصد از افراد مجرد و ۵۵/۲ درصد متأهل بوده‌اند. از نظر وضعیت تحصیلی نیز، بیشترین تعداد مربوط به لیسانسه‌ها و بعد افراد با مدرک تحصیلی فوق دیپلم می‌باشد.

یافته‌های تحقیق نشان داد، تعهد به نظم اجتماعی با میزان‌های احساس ناامنی، باورهای دینی و مذهبی، باورهای اخلاقی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مستقیم و با احساس بی‌عدالتی رابطه معنادار معکوس دارد. و در مورد متغیرهای زمینه‌ای نیز مشاهده کردیم که بین تعهد به نظم اجتماعی و جنس پاسخگویان تفاوت وجود دارد، به طوری که زنان میزان تعهدشان به نظم اجتماعی بیش از مردان است. بین متغیر تعهد به نظم اجتماعی با سن و تحصیلات تفاوت معنادار دیده می‌شود، ولی با وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

با بررسی جداگانه هر کدام از متغیرهای مستقل و ویژگی خاص ساکنان شهر تهران و با توجه به نتایج تحقیق، متغیر احساس ناامنی از سایر موارد تأمل بیشتری نیاز دارد، زیرا که کمترین میزان احساس ناامنی در بین افراد، باعث می‌شود که آن‌ها اعتمادشان کمتر و در نتیجه تعهدشان به نظم و قانون نیز پایین‌تر بیاید؛ و با توجه به تأثیرگذاری امنیت بر عوامل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، نتیجه می‌گیریم هرچه امنیت در جامعه بیشتر شود، به همان میزان تعهد به نظم و برقراری قانون نیز بالاتر می‌رود و این متغیر، متغیر بسیار حساس و اثرگذاری است و هر چه محیط امن‌تر و مناسب‌تری داشته باشیم، در واقع رغبت و انگیزه افراد را برای مشارکت در جامعه و اجتماع افزایش می‌دهیم و به همان میزان می‌توانیم جامعه‌ای منظم‌تر و متعهدتر داشته باشیم. مسئولان باید بدانند که محیط مناسب و امن برای افزایش مشارکت فردی و اجتماعی لازم و ضروری است، زیرا اگر افراد جامعه احساس بی‌عدالتی و ناامنی داشته باشند، انگیزه کافی نیز برای رشد و ارتقای اجتماعی خود نخواهند داشت و در نتیجه با زیر پا گذاشتن هنجارهای اجتماعی و قواعد حاکم بر زندگی شهری، خواهان رسیدن به اهداف خود هستند و یا با این کار نوعی واکنش منفی در برابر این احساسات ایجاد شده‌شان داشته باشند. افراد خود را نیازمند مشارکت می‌بینند، اما زمانی که در تصمیم‌گیری‌ها نظر آنان ملاک قرار نمی‌گیرد، خود را از گروه‌های اجتماعی خارج کرده، دیگر مداخله و مشارکتی نیز انجام نمی‌دهند، زیرا که ارزش و جایگاه خود را آن گونه که باید و شاید در نمی‌یابند. نابرابری‌های موجود نیز از عوامل دیگری است که باعث کم شدن تعهد به نظم اجتماعی می‌شود که ساکنان شهر تهران در اجرای قانون و

در زمینه‌های مختلف آن را برنمی‌تابند و نمی‌پذیرند، و عکس‌العمل آن‌ها در برابر چنین احساسی رفتارهای تقابلی با قانون و نظم است.

پس به طور کلی، تلاش در جهت کاهش بی‌عدالتی، از طریق: ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، تصویب قوانین در جهت برخورد یکسان با افراد، کاهش ناامنی از طریق: برقراری امنیت هر چه بیشتر، برخورد قاطع با عاملان ایجاد ناامنی در هر مقام و منصبی، توجه خاص به امنیت زنان و کودکان، و افزایش مشارکت اجتماعی از طریق: سهم کردن افراد در تصمیمات اتخاذی در شهر، فعال کردن شوراهای و انجمن‌های شهری، تقویت باورهای دینی و مذهبی و تقویت باورهای اخلاقی در جامعه، می‌توانیم شاهد شهری با انضباط و ایمن و باکیفیت باشیم.

### منابع

- ارویسکا و هادسون (۲۰۰۲)، «گریز از مالیات، وظیفه شهری و شهروند مطیع»
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران»، تهران: انتشارات زمینه
- ایروین، کیلی و همکاران (۲۰۰۸)، «همدردی و نظم اجتماعی»
- باستانی، سوسن و مریم صالحی (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، «انقلاب و بسیج سیاسی»، انتشارات دانشگاه تهران
- پرجمی، داوود (۱۳۷۴)، «بررسی تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- پوراسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۰)، «اخلاق‌گرایی نه قانون‌گذاری»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۲۷
- ترکان، رحمت اله (۱۳۹۱)، «بررسی میزان قانون‌گرایی شهروندان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن»
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱)، «درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، مشهد: نشر مرندیز، نی
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «وفاق اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۲
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی نظم»، نشر نی، چ سوم
- خورشیدی، عباس (۱۳۹۰)، «رابطه اجرای صحیح قانون و نظم اجتماعی»، مجله مدیریت نظامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳
- دانایی‌سیچ، مجید (۱۳۸۰)، «میزان پابندی دانش‌آموزان به نظم اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵)، «لغت‌نامه دهخدا»، تهران: انتشارات معین

- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). «درآمدی بر جامعه»، ترجمه حسین بهروان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی
- راغفر، حسین (۱۳۸۹) «کاستی‌های علوم اجتماعی در شکل‌گیری یک نظریه جامع عدالت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۹
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۱)، «توسعه و تضاد»، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، «خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه»، ترجمه محمد صادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ اول
- ساوج، مایک (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، انتشارات سمت
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۵)، «مدخل مسائل جدید در علم کلام»، جلد اول، قم: انتشارات امام صادق (ع)
- صادقی فسایی، سهیلا و احسان امینیان (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی نظم اجتماعی با توجه به انواع هنجارگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۳
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰)، «آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران، انتشارات سمت
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۰)، «علل و موانع قانون‌گریزی در ایران»، تهران، طرح نو
- علی‌پور، پروین (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴)، «اعتماد و نظم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴
- کاظمی، عباس و محمد رضایی (۱۳۸۸)، «شهر بی‌انضباط و محدودیت‌های ظهور شهروندی در ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸
- کوزر، لوئیس. و ب. روزنبرگ، (۱۳۷۸). «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی»، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، «پیامدهای مدرنیت»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، «تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم‌الاجتماع»، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۲ انتشارات دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، «وندالیسم»، تهران، انتشارات آن
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران»، همدان، نشر نور علم
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵). « انحرافات اجتماعی. نظریه‌ها و دیدگاه‌ها»، تهران: نشرانتشار
- موسوی خامنه، مرضیه و دیگران (۱۳۹۰)، «رابطه عمل در حوزه عمومی و میزان تجربه حس شرم به مثابه اخلاق اجتماعی»، دانش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره یک
- ناطق‌پور، محمد جواد و سید احمد فیروز آبادی (۱۳۸۳)، « سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۲
- وبر، ماکس (۱۳۸۵)، « اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری»، برگردان عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- وثوقی، منصور (۱۳۷۱)، «مبانی جامعه‌شناسی»، تهران، انتشارات خردمند
- Alexander, J. (2001), «The Binary Discourse of civil Society», The new social theory Reader Rutledge
- Belau, P. (2002), «Exchang and power in social life», In Calhoun: Contemporary Sociological Theory. Oxford Blackwell
- Hardin, Russel (2006), «The street level Epistemology of trust», Oxford University press
- Irvine, Cayley et al. (2008), «sympathy and social order», university of oxford, OXI, 3JP, UK
- Jalava, y. (2003), «from Normes to Trust: The Luhmanian connection between Trust and system», European Iournal of social theory. Vol 6 No 2
- Merton Robert K. (1968), «Social Theory and social Structure», NewYork: The Free press. S. 185-213
- orviska and Hudson (2002), tax evasion, urban and abiding citizen duty. The plan explores, Journal of the University of Oxford
- Uslaner, E. (2003), «Political Parties and social Capital, in R. S. Katz and W. F. Crotty», eds, Handbook of Political Partties, Sage, Forthcoming, 2004.
- Uslaner, Eric, (2002), «Moral Foundation of Trust», Cambridge University press.